



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

شهید مطهری
پیام های عاشورا
و خطر تحریف ، مروری دوباره

مهدی پور حسین



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شهید مطهری، پیامهای عاشورا و خطر تحریف، مروری دوباره

نویسنده:

مهدی پورحسین

ناشر چاپی:

حکومت اسلامی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	شهید مطهری، پیامهای عاشورا و خطر تحریف، مروری دوباره
۶	مشخصات کتاب
۶	مقدمه
۷	آموزه های قیام حسینی
۷	استعداد شبیه سازی در حادثه عاشورا
۸	تفسیر الگوساز
۹	درسهای آموزنده
۹	اشاره
۹	شخصیت یافتن جامعه اسلامی
۱۰	احیای امر به معروف و نهی از منکر
۱۱	شعارهای حیات بخش
۱۱	خطر تحریف
۱۱	اشاره
۱۲	تحریف و عوامل آن
۱۲	تحریف معنوی
۱۳	رسالت علما مسؤولیت مردم
۱۳	اشاره
۱۴	مسؤولیت مردم
۱۴	رسالت علما
۱۵	پاورقی
۱۶	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

شهید مطهری، پیامهای عاشورا و خطر تحریف، مروری دوباره

مشخصات کتاب

شماره کتابشناسی ملی: ایران ۸۱-۴۹۸۷۳

سرشناسه: پورحسین، مهدی

عنوان و نام پدیدآور: شهید مطهری، پیامهای عاشورا و خطر تحریف، مروری دوباره/ پورحسین، مهدی
منشا مقاله: ، حکومت اسلامی، ش ۲۷، (بهار ۱۳۸۲): ص ۴۳۴ - ۴۵۱.

توصیفگر: قیام عاشورا

توصیفگر: حسین بن علی (ع)، امام سوم

توصیفگر: مطهری، مرتضی

توصیفگر: جامعه اسلامی

توصیفگر: امر به معروف و نهی از منکر

توصیفگر: فضایل اخلاقی

توصیفگر: آزادی

توصیفگر: عزت نفس

توصیفگر: اصلاحات دینی

توصیفگر: اصلاحات اجتماعی

توصیفگر: تحریف

مقدمه

درک پیام عاشورا و الگوگیری از آن در گرو درک حقیقت قیام کربلا و ارائه تفسیر صحیح از آن و شناخت و مبارزه با تحریفاتی است که ممکن است در این حادثه رخ دهد. در طول تاریخ، عالمان روشن ضمیر شیعه، پیوسته نگرانی از این سنگر بزرگ را به عهده داشته اند و استاد شهید آیه الله مرتضی مطهری یکی از این عالمان دردآشنایی است که در زدودن تحریفات از حرکت عاشورا و نشان دادن چهره سازنده آن تلاش کرده است. بررسی کامل دیدگاههای ایشان در باره حرکت سیدالشهدا (ع) و پیامها و پیامدهای آن و آفاتی که متوجه تحلیل ها و تفسیرهای این نهضت شده است و کاستی هایی که از نظر ایشان در این زمینه وجود دارد و مسؤولیتی که بر عهده محافل علمی و حوزوی و عالمان اسلامی می باشد، نیازمند چند مقاله مستقل و گستره است که اینک از محدوده و حوصله اینویژه نامه بیرون است. اما خالی گذاشتن این مجموعه از یک مقاله محدود و انعکاس اجمالی دیدگاههای ایشان را نیز نپسندیدیم. آنچه پیش روی دارید به تناسب دفتر سوم ویژه نامه و به عنوان بازخوانی و مروری کوتاه بر بخش عمده ای از نظرات آن شهید عزیز به تناسب محور اصلی موضوعات این شماره، نگاشته شده است. نویسنده با توجه به اسوه بودن حرکت سیدالشهدا (ع) برای همه آزادی خواهان و غیرتمندان عالم، ابتدا به تبیین درس های عاشورا همچون: شخصیت یافتن جامعه اسلامی، و احیای امر به معروف و نهی از منکر در نگاه آن دانشمند شهید پرداخته است، آنگاه از همین منظر خطر تحریف و عوامل آن را مورد بررسی قرار داده و در ادامه به رسالت علما و مسؤولیت مردم در مبارزه با تحریف اشاره کرده است. مقاله در بخش پایانی، مسؤولیت عالمان در نظام اسلامی را یادآور شده و آورده است با توجه به حضور علما در مسؤولیتهای حکومت، برای مقابله بابدعتها

وظیفه مضاعفی بر دوش آنان است چراکه بیش از گذشته باید از ایمان و اعتقادات صحیح و دست آوردهای اسلام ناب محمدی (ص) پاسداری کنند. دقت و مطالعه عمیق و تحلیلی در قیام امام حسین (ع) نشان می‌دهد که این حادثه اگر چه در مکان خاصی اتفاق افتاده و محدود به زمان معینی بوده است اما حقیقت آن، مطلق و مجرد از زمان و مکان بوده و خاصیت الگوپذیری در ذات آن نهفته است. واقعه کربلا الگویی برای رهبری انقلابها و ایجاد تحولات بنیادین در جامعه بوده، تجربه پر ارزشی در اصلاح جوامع انسانی، راست کردن کجی‌ها، زدودن فسادها و انحراف‌ها به شمار می‌رود. حماسه نینوا در طول تاریخ اسلام الگوی کامل برای شکل‌گیری تحولات سیاسی در قلمرو جهان اسلام بوده است و در یک کلام، ضامن بقای اسلام راستین به شمار می‌آید. پر واضح است که درک پیام عاشورا و الگوگیری از آن برای ایجاد تحول عمیق و سازنده در جامعه و رسیدن به جامعه مطلوب در گرو درک حقیقت قیام کربلا و ارائه تفسیر صحیح از آن و شناخت و مبارزه با تحریفاتی است که خواسته و ناخواسته به دست تحریف‌گران، در تحلیل و تفسیر این قیام و بهره‌جستن از آن رخ می‌نماید. به موازات استمرار این نهضت و حرکت جوشان آن، عالمان روشن ضمیر شیعه نیز پیوسته نگرهبانی از این جبهه بزرگ را به عهده گرفته و از «اسلام مجسم» به خوبی پاسداری کرده‌اند. از جمله عالمان دردآشنایی که در دهه‌های اخیر بر این امر اهتمام ورزیده و در زدودن بر چسب‌های ناروا و تحریف از حرکت عاشورا و نشان دادن چهره سازنده آن مجاهده کرده است استاد شهید آیت الله مرتضی مطهری است. درس آموزی از عاشورا از یک سو و پاسداری آن از خطر تحریف از جمله محورهای مورد توجه ایشان از تفسیر و تحلیل این قیام است که به ترتیب در این مقاله بازگو شده است.

آموزه‌های قیام حسینی

استعداد شبیه‌سازی در حادثه عاشورا

از دیدگاه شهید مطهری «کسانی که به خاطر یک سلسله اصول و مبادی قیام می‌کنند و نهضت می‌نمایند در حقیقت به همه جهانیان بعد از خودشان پیامی دارند و به اصطلاح معروف وصیتی دارند. آیندگان باید با پیام آنها آشنا باشند و ندای آنها را بشناسند». [۱]. قیام امام حسین (ع) نیز از آن دست قیامهایی است که بر اساس اصول بنیادین اسلام، با روش شناخته شده اسلام و برگرفته از سیره نبوی و علوی سامان یافته و دارای پیام و وصیت شفاف برای آیندگان است. اگر چه این نهضت صرفاً برای شبیه‌سازی و کپی‌گیری معماری نشده است اما به گونه‌ای طراحی شده است که استعداد شبیه‌سازی در آن وجود دارد. شهید مطهری معتقد است: «انسان وقتی تاریخ حادثه عاشورا را می‌خواند، استعدادی برای شبیه‌سازی در آن می‌بیند. همان‌طور که قرآن برای آهنگ‌پذیری ساخته نشده ولی این‌طور هست و حادثه کربلا هم برای شبیه‌سازی ساخته نشده ولی این‌طور هست. من نمی‌دانم و شاید شخص اباعبدالله در این مورد نظر داشته است... متن تاریخ این حادثه، گویی اساساً برای یک نمایشنامه نوشته شده است. شبیه‌پذیر است، گویی دستور داده‌اند که آن را برای صحنه بودن بسازند». [۲]. این خاصیت در حادثه کربلا - نه صرفاً یک نمایش توخالی و صورت‌سازی عاری از حقیقت باشد بلکه به خاطر رازی است که در آن نهفته است: «آن راز این است که اساساً خود این حادثه، تمام این حادثه تجسم اسلام است در همه ابعاد و جنبه‌ها؛ یعنی راز اینکه این حادثه نمایش‌پذیر و شبیه‌پذیر است، این است که تجسم فکر و ایده چندجانبه و چندوجه و چند بعد اسلامی است؛ همه اصول و جنبه‌های اسلامی عملاً در این حادثه تجسم پیدا کرده است؛ اسلام است در جریان و در عمل و در مرحله تحقق». [۳]. «وقتی بخواهیم به جامعیت اسلام نظر بیفکنیم باید نگاهی هم به نهضت حسینی بکنیم. می‌بینیم امام حسین (ع) کلیات اسلام را در کربلا به مرحله عمل آورده، مجسم کرده است ولی تجسم زنده و جاندار حقیقی و واقعی، نه تجسم بی‌روح. انسان وقتی در حادثه کربلا تأمل می‌کند، اموری را می‌بیند که دچار حیرت می‌

شود و می گوید اینها نمی تواند تصادفی باشد. و سرّ اینکه ائمه اطهار این همه به زنده نگه داشتن و احیای این خاطره توصیه و تأکید کرده و نگذاشته اند حادثه کربلا- فراموش شود، این است که این حادثه یک اسلام مجسم است.» [۴]. بدین ترتیب ائمه اطهار خواسته اند که داستان کربلا به صورت یک مکتب تعلیمی و تربیتی همیشه زنده بماند.

تفسیر الگوساز

گام نخست در الگوپذیری قیام عاشورا این است که راز جامعیت اسلام در کربلا درک شود و بر اساس آن، تفسیری صحیح از این حادثه ارائه گردد. در صورتی این نکته از عاشورا قابل برداشت است که قرائتی الگوساز از آن صورت گیرد. بی تردید پیشوایان دینی از زمان پیغمبر اکرم (ص) و ائمه طهار (ع) دستور اکید و بلیغ داده اند که باید نام حسین بن علی (ع) زنده بماند و باید سوگواری آن حضرت هر سال تجدید بشود. سؤال اساسی این است که چرا چنین دستوری داده اند و چرا این همه به این موضوع اهتمام داشته اند؟ از این رو تحلیل ما از قیام امام حسین (ع) تعیین کننده است. از نگاه شهید مطهری حادثه عاشورا و تاریخچه آن، دو صفحه دارد؛ یک صفحه سفید و نورانی و یک صفحه تاریک، سیاه و ظلمانی. در نگاه دوم، قهرمان حادثه یزید بن معاویه، عبیدالله بن زیاد، عمر سعد، شمر و امثال اینها است. وقتی این صفحه تاریک مطالعه شود فقط ظلم است، جنایت است و رثاء بشریت، که هیچ چیز غیر از گریه، زاری و مرثیه را نمی طلبد اما اگر صفحه مقابل مطالعه شود قهرمان این صفحه نورانی حسین است و اهل بیت و اصحاب او. این صفحه دیگر جنایت و تراژدی نیست بلکه حماسه است، افتخار و نورانیت است، تجلی حقیقت، انسانیت و حق پرستی است. البته هر دو صفحه این واقعه یا بی نظیر است یا کم نظیر و باید به هر دوی آنها پرداخت و آن را مورد تجزیه و تحلیل عبرت آموز قرارداد، اما به قول آن استاد فرزانه: «چرا ما صفحه نورانی این داستان را کمتر مطالعه می کنیم در حالی که جنبه حماسی این داستان صد برابر بر جنبه جنایی آن می چربد و نورانیت این حادثه بر تاریکی آن خیلی می چربد» [۵]. «اگر ما صفحه نورانی تاریخ حسینی را خواندیم آن وقت از جنبه رثائی اش می توانیم استفاده کنیم و گرنه بیهوده است» [۶]. «پس اول باید قهرمان بودنش برای شما مشخص بشود و بعد در رثای قهرمان بگریید و گرنه رثای یک آدم نفله شده بیچاره بی دست و پای مظلوم که دیگر گریه ندارد و گریه ملتی برای او معنی ندارد. در رثای قهرمان بگریید برای اینکه احساسات قهرمانی پیدا کنید، برای اینکه پرتوی از روح قهرمان در روح شما پیدا شود و شما هم تا اندازه ای نسبت به حق و حقیقت غیرت پیدا کنید، شما هم عدالت خواه بشوید. شما هم با ظلم و ظالم نبرد کنید، شما هم آزادی خواه باشید، برای آزادی احترام قائل باشید، شما هم سرتان بشود که عزت نفس یعنی چه، شرف و انسانیت یعنی چه، کرامت یعنی چه؟» [۷]. بنابراین بر اساس یک تفسیر که متأسفانه رواج هم یافته است پاسخ پرسش فوق این می شود که ترغیب ائمه (ع) و اهتمام آنان در برپایی عزای حسینی «برای این است که تسلی خاطر برای حضرت زهرا باشد». در این صورت «خیال می کنیم حسین بن علی در آن دنیا منتظر است که مردم برایش دل سوزی کنند یا - العیاذ بالله - حضرت زهرا (س) بعد از هزار و سیصد سال آن هم در جوار رحمت الهی منتظر است که چهار تا آدم فکسنی برای او گریه کنند تا تسلی خاطر پیدا کند!» [۸]. این نگاه نه تنها حیات بخش، پویا و حرکت زا نیست بلکه به تعبیر شهید مطهری مسخره و نتیجه ای جز خرابی دین و رکود در جامعه ندارد. اما در تفسیر دیگر، حرکت سیدالشهدا (ع) اسوه است و برای همه آزادی خواهان و غیرتمندان عالم طوفنده و جوشان است. در این تفسیر «حسین بن علی درس غیرت به مردم داد، درس تحمل و بردباری به مردم داد، درس تحمل شداید و سختیها به مردم داد. اینها برای ملت درسهای بسیار بزرگی بود. پس این که می گویند حسین بن علی چه کرد و چطور شد که دین اسلام زنده شد، جوابش همین است که حسین بن علی روح تازه دمید، خونها را به جوش آورد، غیرتها را تحریک کرد، عشق و ایده آل به مردم داد، حس استغنا در مردم به وجود آورد، درس صبر و تحمل و بردباری و مقاومت و ایستادگی در مقابل شداید به مردم داد، ترس را ریخت، همان مردمی که تا آن مقدار می ترسیدند، تبدیل به یک عده مردم شجاع

و دلاور شدند.» [۹]. از این منظر امام حسین (ع) پیام آور اسلام است، عاشورا نمایشگاهی می‌شود که ابعاد مختلف اسلام به نمایش گذاشته شده تا انسانهای دیگر از آن الگو برداری کنند و در هر جامعه‌ای که شرایط زمان امام حسین را پیدا کرد قیام حسینی به راه افتد. با این تفسیر امام حسین (ع) دیگر مختص به یک زمان و مکان خاص نیست، برای همیشه تاریخ است و چون روحی در کالبد اجتماع حضور دارد. برای همین درسهای بزرگ است که استاد مطهری اصرار دارد حادثه کربلا در وجه حماسی آن مورد تحلیل قرار گیرد و به یک سوژه بزرگ برای مسلمانان تبدیل گردد: «این که من تأکید می‌کنم که حماسه حسینی و حادثه کربلا و عاشورا باید بیشتر از این جنبه مورد استناد ما قرار بگیرد، به خاطر همین درسهای بزرگی است که این قیام می‌تواند به ما بیاموزد. من مخالف رثاء و مرثیه نیستم، ولی می‌گویم این رثاء و مرثیه باید به شکلی باشد که در عین حال آن حس قهرمانی حسینی را در وجود ما تحریک و احیا کند. حسین بن علی یک سوژه بزرگ اجتماعی است. حسین بن علی در آن زمان یک سوژه بزرگ بود، هر کسی که می‌خواست در مقابل ظلم قیام کند، شعارش «یا لثارات الحسین» [۱۰]. بود. امروز هم حسین بن علی یک سوژه بزرگ است، سوژه‌ای برای امر به معروف و نهی از منکر، برای اقامه نماز، برای زنده کردن اسلام، برای این که احساسات و عواطف عالیله اسلامی در وجود ما احیا بشود.» [۱۱].

درسهای آموزنده

اشاره

نگرش الهی، حماسی به نهضت عاشورا دستاوردهای مهمی به همراه دارد که یکی از آنها تسهیل پیام‌گیری از این نمایش بی‌همتای اسلامی است. شهید مطهری با این نگاه پیام‌هایی را از این نهضت برداشت کرده‌اند که در اینجا به اهم آنها اشاره می‌شود:

شخصیت یافتن جامعه اسلامی

پدیده‌های اجتماعی از جهت تأثیری که در خود اجتماع باقی می‌گذارند مختلف و گاهی متضادند. از این حیث بعضی از پدیده‌های اجتماعی، روح اجتماع را تاریک و کدر می‌کند، ترس و رعب به وجود می‌آورد، و به اجتماع حالت بردگی و اسارت می‌دهد، ولی یک سلسله پدیده‌های اجتماعی است که به اجتماع صفا و نورانیت می‌دهد، ترس اجتماع می‌ریزد، احساس بردگی و اسارت را از او می‌گیرد، به جایش جرأت، جسارت و شهامت به او می‌دهد. نوع دوم از پدیده‌های اجتماعی نعمتی است که نصیب هر ملتی به سادگی نمی‌شود. به تعبیر شهید مطهری سرمایه‌ای است که بالاتر از آن وجود ندارد: «مسأله احساس شخصیت، مسأله بسیار مهمی است. از این سرمایه بالاتر برای اجتماع وجود ندارد که در خودش احساس شخصیت و منش کند، برای خودش ایده آل داشته باشد و نسبت به اجتماعهای دیگر حس استغنا و بی‌نیازی داشته باشد، یک اجتماع این طور فکر کند که خودش برای خودش فلسفه مستقلاً در زندگی دارد و به آن فلسفه مستقل زندگی خودش افتخار و مباهات کند و اساساً حفظ حماسه در اجتماع یعنی همین که اجتماع از خودش فلسفه‌ای در زندگی داشته باشد و به آن فلسفه ایمان و اعتقاد داشته باشد و او را برتر و بهتر و بالاتر بداند و به آن ببالد.» [۱۲]. نگاه حماسی به نهضت عاشورا است که این حماسه را در ملت اسلام ایجاد می‌کند، جامعه حسینی را عزتمند و همراه با غرور می‌سازد و این هنر در قیام اباعبدالله (ع) وجود دارد و در جامعه آن عصر هم چنین اثر را به جای گذاشت: «بعد از شهادت امام حسین (ع) یک چنین حالتی به وجود آمد، یک رونقی در اسلام پیدا شد. این اثر در اجتماع از آن جهت بود که امام حسین (ع) با حرکات قهرمانانه خود روح مردم مسلمان را زنده کرد، احساسات بردگی و اسارتی را که از اواخر زمان عثمان و تمام دوره معاویه بر روح جامعه اسلامی حکمفرما بود، تضعیف کرد و ترس را ریخت، احساس عبودیت را زایل کرد

و به عبارت دیگر به اجتماع اسلامی شخصیت داد. او بر روی نقطه ای در اجتماع انگشت گذاشت که بعداً اجتماع در خودش احساس شخصیت کرد.» [۱۳]. و این مهترین درسی است که تا قیام قیامت می تواند الهام بخش ملت‌های آزاده باشد به شرطی که یاد حسین (ع) و مجالس حسینی از حد احساس فراتر رفته بر عقلانیت و تدبیر در این قیام افزوده شود. ملتی که شخصیت دارد همه چیز دارد اما ملتی که همه چیز دارد ولی شخصیت و هویت ندارد هیچ چیز ندارد؛ هویتی حسینی که امروزه بیش از هر زمان دیگر برای ملل اسلامی مورد نیاز است. در زمانی که اموی‌ها سرمست از بازیافتن سلطنت و پادشاهی، بر همه چیز دست انداخته شخصیت اسلامی را در میان مسلمین میراندند، شخصیت کوفیان را آن چنان لگدمال کردند که پس از دعوت از فرزند پیامبر و حرکت او به سوی شهری که روزی مرکز خلافت اسلامی بود و افتخار شیعه علی ابن ابی طالب بودن را با خود داشت با شنیدن اسم ابن زیاد عقب نشستند و حسین (ع) را تنها گذاشتند؛ در این حال قیام امام حسین (ع) آن چنان جوششی در آنان ایجاد کرد، آن چنان هویتی برای کوفیان به ارمغان آورد که: «همین کوفه بعد از مدت سه سال انقلاب کرد و پنج هزار نفر تواب از همین کوفه پیدا شد و سر قبر حسین بن علی رفتند و در آنجا عزاداری کردند، گریه کردند و به درگاه الهی از تقصیری که کرده بودند توبه کردند و گفتند ما تا انتقام خون حسین بن علی را نگیریم از پای نمی نشینیم.» [۱۴]. امروز نیز که نظام قلدر پرور موجود در جهان به بهانه ای خودساخته بر همه چیز چنگ انداخته و در صدد به انفعال کشاندن مسلمانان و هویت زدایی از کشورهای اسلامی است، مسلمانان باید غیرت و حمیت حسینی را سر مشق قرار داده، قهرمانانه در مقابل آنان ایستادگی کنند و بدانند که ملت ایران با الهام از عاشورا و با بانک ابر مردی از تبار حسین در وحشت و ظلمت، نور هدایت را یافته و مقاومت و مبارزه را از حسین بن علی (ع) آموخته است و به خواست خدا در مقابل تمامی دنیای آنانی که در مقابل دینشان ایستاده اند خواهد ایستاد چرا که به قول حضرت امام خمینی «انقلاب اسلامی ایران پرتوی از عاشورا و انقلاب عظیم الهی آن است.» [۱۵].

احیای امر به معروف و نهی از منکر

اگر از صفحه تاریک و ظلمانی حادثه عاشورا فراتر رفته و به جنبه نورانی آن نظر کنیم می بینیم اگر چه قیام کربلا چند وجهی و چند ماهیتی است اما یکی از عمده ترین عوامل آن مسؤولیت امر به معروف و نهی از منکر است که در این تلقی نمود بیشتری پیدامی کند. در نگاه مثبت و حماسی به عاشورا یادآوری مکرر حضرت از این عامل و اصرار بر برجسته کردن آن جایگاه خود را پیدا می کند. اساساً از نگاه شهید مطهری این عامل ارزش بسیار بیشتری از عوامل دیگر به نهضت حسینی داده و موجب ماندگاری این قیام شده است: «به موجب همین عامل است که این نهضت شایستگی پیدا کرده است که برای همیشه زنده بماند، برای همیشه یادآوری شود و آموزنده باشد. البته همه عوامل آموزنده هستند ولی این عامل آموزندگی بیشتری دارد، زیرا نه متکی به دعوت است و نه متکی به تقاضای بیعت؛ یعنی اگر دعوتی از امام نمی شد، حسین بن علی (ع) به موجب قانون امر به معروف و نهی از منکر نهضت می کرد. اگر هم تقاضای بیعت از او نمی کردند، باز ساکت نمی نشست، موضوع خیلی فرق می کند و تفاوت پیدا می شود.» [۱۶]. در نگاه حماسی و سازنده به این قیام است که «حسین یک مرد معترض و منتقد است، مردی است انقلابی و قیام کننده، یک مرد مثبت است. دیگر انگیزه دیگری لازم نیست. همه جا را فساد گرفته، حلال خدا حرام و حرام خدا حلال شده است، بیت المال مسلمین در اختیار افراد ناشایسته قرار گرفته و در غیر راه رضای خدا مصرف می شود، پیغمبر اکرم فرمود: هر کس چنین اوضاع و احوالی را ببیند «فلم یُغَیِّرْ علیه بفعلٍ و لا قولٍ» و در صدد دگرگونی آن نباشد، در مقام اعتراض بر نیاید «کان حقاً علی الله ان یدخله مدخله» [۱۷]. شایسته است (ثابت است در قانون الهی) که خدا چنین کسی را به آنجا ببرد که ظالمان، جابران، ستمکاران و تغییر دهندگان دین خدا می روند، و سرنوشت مشترک با آنها دارد.» [۱۸]. از این جا است که معلوم می شود وظیفه امر به معروف و نهی از منکر مختص به امام حسین (ع) نبوده هر کسی که در چنین شرایطی قرار گیرد باید به آن قیام نماید و نباید

این وظیفه را به عهده دیگری بدانند و الا باید منتظر عذاب الهی بماند چنان که امام رضا (ع) از پیامبر اکرم (ص) نقل کردند: «اذا تواكلت الناس الامر بالمعروف والنهي عن المنكر فليأذونا بوقاع من الله؛ [۱۹]». «هرگاه مردم امر به معروف و نهی از منکر را به عهده همدیگر بگذارند پس برای عذاب الهی منتظر و آماده باشند». اهمیت تأسی به حرکت امام حسین (ع) در این زمینه از آنجا بیشتر می شود که ببینیم با همه عنایتی که اسلام به امر به معروف و نهی از منکر داشته و آیات متعددی از قرآن در اهمیت آن وارد شده است و ملت اسلام را به خاطر آن بهترین امت نامیده و حسین (ع) هم برای احیای آن جان خود را فدا کرده است اما این امر هر روز در جامعه اسلامی کم رنگ تر شده و از اهمیت آن کاسته می شود: «از همین جا به قول منطقیین به عکس نقیض باید بفهمیم: پس ما امت اسلام و بهترین امتها برای بشر نیستیم چون ما امر به معروف و نهی از منکر نیستیم. در نتیجه نمی توانیم ادعای شرف و بزرگی کنیم، نمی توانیم افتخاری داشته باشیم، اسلام ما اسلام واقعی نیست.» [۲۰].

شعارهای حیات بخش

در عاشورا دو نوع شعار دیده می شود یک نوع شعارهایی است که فقط معرف شخص است و بیش از این چیز دیگری نیست. ولی شعارهای دیگری است که علاوه بر معرفی شخص، معرف فکر هم هست، معرف احساس است، معرف نظر و ایده است. با یک تلقی درست از عاشورا می توان این شعارها را دائمی کرد و در همه اعصار از آن استفاده کرد و از طریق آن روح در جامعه دمید اما متأسفانه بهای لازم به شعارها داده نمی شد و اینک نیز نیازمند اهتمام است. شهید مطهری معتقدند: «اباعبدالله (ع) در روز عاشورا شعارهای زیادی داده است که در آنها روح نهضت خودش را مشخص کرده که من برای چه می جنگم، چرا تسلیم نمی شوم، چرا آمده ام که تا آخرین قطره خون خودم را بریزم؟ و متأسفانه این شعارها در میان ما شیعیان فراموش شده و ما شعارهای دیگری به جای آنها گذاشته ایم که این شعارها نمی تواند روح نهضت اباعبدالله را منعکس کند.» [۲۱]. شعارهای عاشورا آن چنان متنوع و همه جانبه است که می تواند یک ملت را کاملاً غنی و سعادتمند کند. مهمترین شعارهای عاشورا را با الهام از شهید مطهری می توان به این دسته ها تقسیم کرد: حق گرای «الا ترون ان الحق لا يعمل به و ان الباطل لا يتناهي عنه؟ ليرغب المؤمن في لقاء الله محققاً؛ [۲۲]. آیا نمی بینید که به حق عمل نمی شود و کسی از باطل روی گردان نیست؛ در چنین شرایطی مؤمن باید لقاء پروردگارش را بر چنین زندگی ای ترجیح بدهد.» آزادی و شرافت «الموت اولی من رکوب العار؛ [۲۳]. نزد من، مرگ از ننگ ذلت و پستی بهتر و عزیزتر است.» «لا اری الموت الا سعادة و الحیاء مع الظالمین الا برماً؛ [۲۴]. مرگ را جز خوشبختی نمی بینم و زندگی با ستمکاران را جز ملامت و خستگی.» دوری از ذلت «هیهات منا الذله؛ [۲۵]. ذلت و خواری از ساحت ما به دور است.» اصلاحات اجتماعی «انی لم اخرج اشراً و لا بطراً و لا مفسداً و لا ظالماً و انما خرجت لطلب الاصلاح فی امة جدی؛ [۲۶]. بی گمان قیام من برای خوشگذرانی و مفسده جویی و ستمگری نمی باشد، بلکه قیام من فقط برای ایجاد اصلاح امور در امت جدم است.» انزجار از دنیازدگی و تظاهر دینی «الناس عیب الدنیا و الدین لعق علی السنتهم؛ [۲۷]. مردم برده دنیا و دین لقلقه زبانشان می باشد.»

خطر تحریف

اشاره

به همان مقدار که تفسیر صحیح از عاشورا سازنده، حیات بخش و حرکت آفرین است، برداشت نادرست و منحرف کردن آن از مسیر واقعی می تواند مخرب و مخدر باشد و حداقل جامعه را بر خلاف هدف امام حسین (ع) دچار رکود و رخوت نماید. شهید مطهری به این بخش اهتمام ویژه ورزیده و در خرافه زدایی از نهضت پاک حسینی حساسیت فوق العاده نشان داده است. ایشان

معتقد است در پاس داشت قیام کربلا باید کلیدشخصیت امام حسین (ع) را پیدا کرد و آن را اسوه جاوید قرار داد و «کلید شخصیت حسین حماسه است، شور است، عظمت است، صلابت است، شدت است، ایستادگی است، حق پرستی است.» [۲۸]. و هر امری که این نهضت اصیل را از مسیر تعیین شده جدا کند انحراف و گمراهی است که یکی از نشانه‌های عقب ماندگی و عدم رشد اجتماع است. ایشان با نگاه به روزگاری که در آن به سر می برد چنین آفتی را در تفسیر و رویکرد به قیام امام حسین (ع) مشاهده می کرد و روشن است این خطری نیست که اینک از آن، کاملاً در امان باشیم: «واقعه تاریخ کربلا از آن نوع حوادث است که در اثر عدم رشد اجتماع، مسخ و معکوس شده است، تمام عظمتها و زیباییهایش فراموش شده، حماسه و شور و افتخاراتش محو شده و به جای آنها زبونی و ضعف و جهالت و نادانی آمده است. این نشانه عدم رشد این ملت است برای حفظ و نگهداری تاریخ با عظمت و پر افتخار خویش.» [۲۹].

تشریف و عوامل آن

تشریف یعنی «متماایل کردن یک چیز از آن مسیر اصلی و وضع اصلی که داشته است یا باید داشته باشد.» تشریف یا لفظی است یا معنوی. تشریف لفظی آن است که ظاهر یک چیز یا لفظ آن را عوض کنند و تشریف معنوی یعنی «منحرف کردن روح و معنی یک جمله یا یک حادثه». پس تشریف یک حادثه یعنی علل و انگیزه‌ها و همچنین هدف و منظوره‌های آن حادثه چیزی غیر از آنچه هست معرفی شود. عامل تشریف به طور کلی سه قسم است: ۱. عامل عداوت و غرض که از سوی دشمنان صورت می گیرد؛ ۲. عامل اسطوره سازی که یک حس اصیل در بشر است؛ ۳. عامل دوستی و تمایل که از سوی نزدیکان و دوستان صورت می پذیرد. ریشه تشریف از روی دوستی در نهضت عاشورا این است که عده ای خیال کرده اند چون هدف گریه کردن برای امام حسین (ع) و زنده کردن یاد او است و این هدف مقدس است، از وسیله نامقدس هم می توان استفاده کرد: «عده ای آمدند گفتند گریه بر امام حسین ثوابش آنقدر زیاد است که از هر وسیله ای برای این کار می شود استفاده کرد... دستگاه امام حسین (ع) از دستگاه دیگران جداست. اگر اینجا دروغ گفتی بخشیده است، جعل کردی، بخشیده است، تشریف کردی بخشیده است... در نتیجه یک افرادی در این قضیه دست به جعل و تشریف زده اند که انسان تعجب می کند.» [۳۰]. از دیدگاه شهید مطهری در حادثه عاشورا، هم تشریف لفظی رخ داده است و هم تشریف معنوی. طبعاً برخی یا بسیاری از مواردی که آن عالم فرزانه به عنوان مصادیق تشریف و جعل بر شمرده اند، در نگاه برخی دیگر، چنین نیست و آن را نمی پذیرند و اساساً از منظری دیگر به این گونه قضایا می نگرند ولی نگاه پر دقت و اصولی این عالم وارسته و جامع نگر را باید به دیده عنایت و اهتمام نگریست: «تشریف های لفظی از قبیل: داستان لیلی و علی اکبر، داستان عروسی قاسم، داستان آب آوردن حضرت ابی الفضل در کودکی برای امام حسین، آمدن زینب در حین احتضار به بالین اباعبدالله (ع)، عبور اسرا در اربعین از کربلا، عدد مقتولین، هاشم بن عتبّه با نیزه هجده ذرعی، روز عاشورا ۷۲ ساعت بود، امام حسین با زی شاهان از مکه خارج شد، بی خبر بودن امام سجاد (ع) از وقایع، افسانه اسب آوردن زینب برای اباعبدالله و بوسیدن گلوگاه آن حضرت، بیهوش شدن امام سجاد (ع) و امام صادق.» [۳۱].

تشریف معنوی

چنانکه گفته شد حادثه کربلا هم دچار تشریف لفظی شده است و هم تشریف معنوی اما از آنجایی که تشریف معنوی محتوا را تغییر داده قضیه را مسخ و به کلی واژگون می کند خطرناک است و خطرناکتر این که تشریف در اهداف امام حسین (ع) صورت گیرد. ایشان معتقدند دو تشریف معنوی بسیار عجیب و ماهرانه در هدف نهضت حسینی ایجاد شده است: ۱. یکی از تشریفات که در هدف قیام صورت گرفته و به بیان استاد مطهری تهمت به اباعبدالله حسین (ع) و برگرفته از معتقدات مسیحیت است این است که

«حسین بن علی قیام کرد که کشته بشود برای این که کفار گناهان امت باشد، کشته شد برای این که گناهان ما آمرزیده شود. حالا اگر پرسند آخر این در کجاست؟ خود حسین چنین چیزی گفت؟ پیغمبر گفت؟ امام گفت؟ چنین حرفی را چه کسی گفت؟ می‌گوییم ما به این حرفها چه کار داریم؟ امام حسین کشته شد برای این که گناهان ما بخشیده شود. نمی‌دانیم که این فکر را ما از دنیای مسیحیت گرفته‌ایم. ملت مسلمان خیلی چیزها را ندانسته از دنیای مسیحیت بر ضد اسلام گرفت؛ یکی همین است.» [۳۲]. این انحراف و تحریف می‌تواند هر گناهی را توجیه کند. یعنی شما برای امام حسین گریه کن هر کسی می‌خواهی باش، شمر باش، یزید باش، اما گریه کن! ۲. «تحریف معنوی دومی که از نظر تفسیر و توجیه حادثه کربلا رخ داد این بود که گفتند می‌دانید چرا امام حسین رفت و کشته شد؟ یک دستور خصوصی فقط برای او بود و به او گفتند تو برو و خودت را به کشتن بده. معلوم است، اگر یک چیزی دستور خصوصی باشد، به ما و شما دیگر ارتباط پیدا نمی‌کند، یعنی قابل پیروی نیست. اگر بگویند حسین چنین کرد و تو چنین بکن می‌گوید حسین از یک دستور خصوصی پیروی کرد، به ما مربوط نیست. به دستورات اسلام که دستورات کلی و عمومی است مربوط نیست! آن یک دستور خصوصی مخصوص خودش بود.» [۳۳]. این در حالی است که امام حسین (ع) یک مکتب عملی برای کسانی که در این شرایط واقع بشوند بوجود آورد. این کلام امام (ع) است که فریاد می‌زند «و علی الإسلام السلام اذ قد بليت الامية براع مثل یزید». [۳۴]. یعنی کسی که مثل یزید باشد، نه فقط یزید، بلکه هر کسی که مثل یزید حاکم اسلامی شود اسلام را محو خواهد کرد. یا آنجایی که می‌فرماید «الا- ترون ان الحق لا يعمل به و ان الباطل لا يتناهي عنه ليرغب المؤمن في لقاء الله محققاً». وقتی حق عمل نمی‌شود و کسی از باطل روی گردان نیست، در این شرایط هر مؤمنی، نه فقط امام حسین (ع) بلکه هر مؤمنی باید مرگ را بر زندگی ترجیح دهد. بنابراین این تحریفات که در هدف صورت پذیرفت اولاً نهضت کربلا را از مکتب بودن و قابل اسوه بودن خارج کرده آن را به یک امر خصوصی که به دستور خصوصی بوده است تبدیل کرد. ثانیاً به جای آنکه با برجسته کردن عنصر امر به معروف و نهی از منکر، گناه زدایی کند آن را زمینه‌ای برای گناه کاری در آورده که هر گناهی را توجیه می‌کند. در نگاه شهید مطهری این دو تحریف که در هدف صورت گرفت طبعاً به فلسفه عزاداری سرایت کرده و آن را نیز منحرف کرده است. عزاداری و نوحه سرایی که سفارش شد تا هر زمینی را کربلا و هر روز را عاشورا سازد به ضد آن بدل شده، نقش سازنده خود را از دست داده و به عادت تبدیل شده است: «تحریف دیگر، در موضوع دستورها در باره فلسفه عزاداری است. در اینجا گاهی گفتیم برای تسلی خاطر حضرت زهراست چون ایشان در بهشت همیشه بی‌تابی می‌کنند و هزار و چهار صد سال است آرام ندارند با گریه‌های ما ایشان آرامش پیدا می‌کنند! پس آن را یک خدمت خصوصی به حضرت زهرا تلقی کردیم. دوم اینکه به چشم یک آدم نغله شده که حداکثر مقامش این است که بی‌تقصیر به دست یک ظالم کشته شد پس باید برایش متأثر بود به امام نگاه کردیم، فکر نکردیم که تنها کسی که نغله نشده و برای هر قطره خون خود ارزش بی‌نهایت قرار داد او بود. کسی که موجی ایجاد کرد که قرن‌ها کاخهای ستمگران را لرزاند و می‌لرزاند و نامش با آزادی و برابری و عدالت و توحید و خداپرستی و ترک خودپرستی یکی شده چگونه هدر رفته است؟! ما هدر رفته‌ایم که عمری را جز در پستی و نکبت زندگی نکرده و نمی‌کنیم.» [۳۵].

رسالت علما مسؤلیت مردم

اشاره

در طول زمان و به خاطر عوامل گوناگون در حادثه عاشورا، چه در ناحیه اهداف و انگیزه‌های آن و چه در بخش دستاوردها و حتی عزاداریها، تحریفاتی رخ داده است. طبعاً باید با این تحریف‌ها مبارزه کرد و خرافات را از ساحت این قیام مقدس زدود و معلوم

است در این امر هم خواص و علما مسئولند و هم توده مردم؟

مسئولیت مردم

از دید شهید مطهری همه مردم در مقابل تحریفات عاشورا مسئولیت دارند برای اینکه «یک سلسله مسائل است که احتیاج به درس خواندن ندارد... منطقی و فلسفه نمی خواهد، فطرت سلیم می خواهد و فطرت سلیم را هم همه دارند، فطرتشان درک می کند.» [۳۶]

بنابراین مردم نباید خیال کنند که فقط گویندگان مسئول هستند و آنها هیچ مسئولیتی ندارند، همه مسئولند برای اینکه اولاً «چیزی که گفتنش حرام است و عموماً یا غالباً استماع و شنیدنش نیز حرام است، مثل غیبت، تهمت، سب و دشنام به مؤمن یا اولیاء حق، آواز خوانی به باطل و استهزاء پس اگر دروغ گفتن در روضه و ذکر مصیبت حرام است، شنیدن و استماع آن هم حرام است. ثانیاً خداوند در قرآن می فرماید: واجتنبوا قول الزور [۳۷]... به طور کلی عامه مصرف کننده این کالا هستند. اینها اگر این کالا را که غالباً خودشان می دانند کالای تقلبی است مصرف نکنند، عرضه کننده، آن را عرضه نمی کند. عیب قضیه این است که عامه حتی مشوق هم هستند. [۳۸].» از این رو این تحریفات منکراتی است که در بازگویی قیام امام حسین (ع) و عزاداریها رسوخ کرده و نهی از منکر واجب است و همه مردم وظیفه دارند با آن مبارزه کنند. وظیفه دیگری که به عهده مردم است این که در انتظارات خود از مجالس عزا تجدید نظر کنند؛ «دیگر این تمایلی است که صاحب مجلس ها و مستمعین به گیراندن مجلس دارند، مجلس باید بگیرد و باید کربلا بشود. روضه خوان بیچاره می بیند که اگر بنا بشود هر چه می گوید از آن راستها باشد مجلسش نمی گیرد، بعد همین مردم هم دعوتش نمی کنند، ناچار یک چیزی هم اضافه می کند، این انتظار را مردم باید از سر خودشان بیرون کنند.» [۳۹].

رسالت علما

به بیان استاد شهید مطهری در مجالس عزاداری دو نقطه ضعف وجود دارد؛ یکی این که مردم می خواهند جمعیت هر چه بیشتر باشد و اگر جمعیت ازدحام نکند راضی نیستند؛ دوم باید مجلس از جا کنده شده و شور و واویلا بشود. در این موقعیت علما بر سر دو راهی قرار می گیرند که با آن مبارزه کنند یا نه؟ شهید مطهری با اشاره به دو نکته یاد شده، و در تأکید بر مسئولیت عالمان دینی می گوید: «حال، این نقطه ضعف مردم عوام است. با این نقطه ضعف چه باید کرد؟... بزرگترین رسالت و وظیفه علما مبارزه با نقاط ضعف اجتماع است. این است که پیغمبر اکرم فرمود: «اذا ظهرت البدع فی امتی فلیظهر العالم علمه و الّا فعلیه لعنة الله.» [۴۰].

آنجا که بدعتها و دروغها ظاهر می شود، آنجا که چیزهایی ظاهر می شود که در دین نیست، مسائلی پیدا می شود که من نگفته ام، بر عهده دانایان است که حقایق را بگویند و لو مردم خوششان نمی آید. آن کسی که کتمان می کند، لعنت خدا بر او باد... وظیفه علما در دوره ختم نبوت مبارزه با تحریف است و خوشبختانه ابزار این کار هم در دست است.» [۴۱]. نکته حائز اهمیت در اینجا این است که فهم منطق حسینی دارای مراتب مختلف است. اولین مرتبه آن تعلق احساسی و عاطفی است که برای عامه مردم بسیار مفید است و باید هم در بین مردم وجود داشته باشد و اصل طراحی این مرحله در پاسداشت نهضت حسینی بسیار ماهرانه و از روی حکمت بوده است اما قطعاً زمانی این عواطف و احساسات، مفید فائده خواهد بود که در طریق عقلانیت نهفته در نهضت عاشورا قرار گیرد و به پل ترقی برای دست یابی به فهم مراتب بالاتر این واقعه تبدیل شود و الّا اگر در همین سطح باقی بماند مخرب خواهد بود. بر علما است که این معارف را از سطح عوامانه فراتر برده و با موانع احتمالی مبارزه کنند. عالمان برجسته ای نیز بوده اند که حقاً در تحریف زدایی از ساحت عاشورا تلاش کرده اند. در دهه های اخیر مبارزه و مجاهده عملی حضرت امام خمینی مثال زدنی است. ایشان با تأسی از سرور و سالار کربلا عملاً ثابت کرد که می توان در تمامی گستره تاریخ ندای «کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا» را بلند کرد و به رهبر آزادگان جهان اقتدا کرد. شهید بزرگوار مطهری نیز در مواجهه فکری با پدیده تحریف عالمانه و

دلسوزانه به وظیفه خود عمل کرده است. حال وظیفه دیگر عالمان است که در مقابل بدعت‌ها قد علم کنند و با آن به قدر مقدور مبارزه نمایند اگر مردم و علما وظیفه فردی دارند که در این زمینه نهی از منکر کنند، مسئولیت نظام اسلامی به عنوان پاسدار ایمان و اعتقادات صحیح و دست آوردهای اسلام ناب محمدی، بیشتر است چرا که امکانات تبلیغی نظام اسلامی در این زمینه گسترده است، رسانه‌های نظام در این زمینه مسئولیت مضاعفی دارند و باید در این مسیر به کار گرفته شوند. با این حال اگر به هر دلیل امکانات نظام اسلامی در بدعت زدایی از تفسیر و تبیین قیام پاک عاشورا به کار گرفته نشود لاقلاً نباید اجازه داد ابزار دامن زدن به این امور شود. و این مسئولیتی نیست که ساده بتوان از آن گذشت و با «اما» و «اگر» نادیده گرفت.

پاورقی

[۱] شهید مطهری، مرتضی، حماسه حسینی، مجموعه آثار، ج ۱۷، ص ۶۶۸.

[۲] همان، ص ۳۶۸.

[۳] همان، ص ۳۷۹.

[۴] همان، ص ۳۸۲.

[۵] همان، ص ۳۱.

[۶] همان، ص ۳۳.

[۷] همان، ص ۳۲.

[۸] همان، ص ۳۳.

[۹] همان، ص ۵۹.]

[۱۰] مسند الامام الرضا، ج ۱، ص ۱۴۸.

[۱۱] حماسه حسینی، مجموعه آثار، ج ۱۷، ص ۵۹.

[۱۲] همان، ص ۵۳.

[۱۳] همان، ص ۵۲.

[۱۴] همان، ص ۵۷.

[۱۵] صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۱۲.

[۱۶] مجموعه آثار، همان، ص ۲۱۴.

[۱۷] تاریخ طبری، ج ۴، ص ۳۰۴.

[۱۸] مجموعه آثار، همان، ص ۲۱۵.

[۱۹] فروع کافی، ج ۵، ص ۵۹.

[۲۰] مجموعه آثار، همان، ص ۲۱۹.

[۲۱] همان، ص ۱۸۴.

[۲۲] بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۸۱.

[۲۳] مقتل الحسین مقرر، ص ۳۴۵.

[۲۴] بحار، همان.

[۲۵] اللهوف، ص ۴۱.

- [۲۶] مقتل الحسین، ص ۱۵۶.
- [۲۷] موسوعه کلمات الامام الحسین، ص ۴۲۵.
- [۲۸] مجموعه آثار، همان، ص ۴۵.
- [۲۹] همان، ص ۶۱۶.
- [۳۰] همان، ص ۹۰.
- [۳۱] همان، ص ۶۰۶.
- [۳۲] همان، ص ۱۰۸.
- [۳۳] همان، ص ۱۰۹.
- [۳۴] مقتل مقرر، ص ۱۴۶.
- [۳۵] مجموعه آثار، همان، ص ۶۰۸.
- [۳۶] همان، ص ۱۲۱.
- [۳۷] سوره حج، آیه ۳۰.
- [۳۸] مجموعه آثار، همان، ص ۶۱۴.
- [۳۹] همان، ص ۷۲.
- [۴۰] اصول کافی، ج ۱، ص ۵۴.
- [۴۱] مجموعه آثار، همان، ص ۱۳۱.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و

رایانه‌ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزارهای علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیت‌های گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزارهای تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده ولی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار

شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را ببدان، نگاه می‌دارد و با حجت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

